



کاسه‌های کوبه در دشت کرمانشاه: ردپایی از گستره سنت سفال دوره مس و سنگ جدید شمال میان‌رودان در زاگرس مرکزی*

I ماندانا صدفی

II سجاد علی بیگی

III فرانسوا دوسه

نوع مقاله: پژوهشی؛ صص: ۲۹-۷
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۲۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۱۰
شناسه دیجیتال (DOI): 10.30699/PJAS.5.18.7

چکیده

با توجه به اهمیت دوره مس و سنگ، به‌ویژه اواخر این دوره که شاهد پیدایش نخستین شهرها و حکومت‌های آغازین هستیم، شناسایی انواع محوطه‌ها و مواد فرهنگی این دوره می‌تواند اطلاعات مهمی را به دانش ما در این باره بیافزاید؛ ازجمله مهم‌ترین شاخصه‌های فرهنگی این بازه زمانی می‌توان به افزایش جمعیت، گسترش مبادلات و تخصصی‌تر شدن حرفه اشاره کرد. با وجود شناخت ما از گونه‌های مختلف مواد فرهنگی و به‌ویژه سنت‌های سفالی دوره مس و سنگ منطقه زاگرس مرکزی آگاهی ما از سفال «کوبه» در ایران بسیار اندک است. سفال کوبه، گونه‌ای از سفال‌های مس و سنگ متأخر در جنوب غرب آسیا است که ابتدا در دوران «پس از عبید» و از دوره مس و سنگ متأخر ۱ به بعد در فرم‌های متفاوت به صورت تولید-انبوه در محوطه‌های میان‌رودان شمالی گرفته تا سوریه و ترکیه ظاهر شده است. تاکنون این نوع ظرف در محوطه‌های ایران مورد توجه قرار نگرفته و بحثی درخصوص حضور این نوع سفال در ایران مطرح نشده است. این پژوهش به مسأله حضور سفال کوبه در غرب ایران و به‌ویژه دشت کرمانشاه می‌پردازد و با روش توصیفی-تحلیلی تلاش می‌کند به این پرسش‌ها پاسخ دهد که، شاخصه‌های فناوری کاسه‌های کوبه محوطه پیش‌اتاریخی تاق‌بستان چیست و این نوع ظروف در چه بازه زمانی قرار می‌گیرند؟ همچنین این‌که، این یافته‌های جدید چه تصویری از حوزه پراکنش این ظروف در اختیار قرار می‌دهند؟ فراوانی این کاسه‌ها در کاوش سال ۱۳۹۴ ه.ش.، تاق‌بستان و سایر نمونه‌های مکشوف از استان کرمانشاه و غرب ایران نشان می‌دهد که این سنت سفالی گستره وسیعی در غرب ایران را دربر می‌گرفته که تاکنون برای ما ناشناخته بود. این نمونه‌ها نشان می‌دهند که با فراوانی قابل توجهی از گونه شماره ۳ و ۴ کاسه‌های کوبه روبه‌رو هستیم و حضور پیرنگ این نمونه‌ها نشان‌دهنده گسترش سنت تولید این گونه به بخش‌های غربی ایران چون زاگرس مرکزی در دوره اوروک قدیم است.

کلیدواژگان: تاق‌بستان، مس و سنگ جدید، افق سفالی پس از عبید، اوروک قدیم، کاسه کوبه.

*. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی «ماندانا صدفی» است که در سال ۱۳۹۸ در گروه باستان‌شناسی دانشگاه رازی کرمانشاه دفاع شده است.

I. دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، گروه باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.
II. استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران (نویسنده مسئول).

sadjadlibaigi@gmail.com

III. دانش‌آموخته دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه سوربن، پاریس، فرانسه؛ پژوهشگر پسادکتری باستان‌شناسی، گروه باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

مقدمه

دوره مس‌وسنگ جدید (۳۰۰۰-۴۲۰۰ پ.م.) در شرق زاگرس مرکزی با عنوان دوره گودین VIII (۴۱۰۰/۴۲۰۰-۴۰۰۰ پ.م.)^۱، VII (۳۹۰۰-۴۰۰۰ پ.م.)^۲ و VI (۳۹۰۰-۳۰۰۰ پ.م.)^۳ شناخته می‌شود (روثمن و بدلر، ۱۳۹۵: ۶۰). اطلاعات بسیار کمی درخصوص گودین دوره VIII تنها در حد چند سطر و چند تصویر سفالی در دست است، اما دوره‌های بعدی (گودین VII و VI) به نسبت بهتر شناخته شده‌اند. عموماً درخصوص دوره مس‌وسنگ متأخر در شرق زاگرس مرکزی بیشتر از دوره‌های گودین VII (حسین‌آباد) و گودین VI (چشمه‌نوش) که بخشی از هزاره چهارم پیش از میلاد، را در این منطقه دربر می‌گیرد، نام برده می‌شود. مشخصه‌های سفالی شناخته شده دوره VII شامل سفال‌های زمخت صیقل نشده با آمیزه گاه است که اغلب حرارت ناکافی دیده‌اند. پوشش گلی ظروف به رنگ‌های نخودی، قرمز و سفید غلیظ بوده و اغلب سطح داخلی آن‌ها صاف و صیقلی شده است و پوشش گلی نیز دارند. براساس نتایج مطالعات و بررسی‌های «لوین» و «یانگ» ۸۹٪ از ظروف دارای بدنه‌ای کشیده، پایه‌ای مقعر و ردیفی افقی از سوراخ‌های کوچک در اطراف بدنه است که دو اثر انگشت متمایز بر روی دسته درکنار لبه آن‌ها، دیده می‌شود. ظروف متداول عبارتند از کاسه‌های کم عمق و با عمق متوسط با دیواره نیمه‌کروی متمایل به خارج و ظروف با دیواره S شکل (۶۵٪ ظروف S شکل را سینی‌ها تشکیل می‌دهند). تزئینات شاخص این دوره، نقوش زیگزاگ و موج افزوده بر لبه ظرف است (Levine & Young, 1986; Sharifi & Motarjem, 2018).

دوره VI که با عنوان سنت چشمه‌نوش نیز یاد می‌شود در بازنگری «تامس کایلر یانگ» به سه مرحله 1-2-3 VI تقسیم شده است. گودین VI3 به عنوان فرهنگ بومی، VI2 به عنوان فرهنگ بومی و غیربومی (اوروک) و مرحله VII به عنوان فرهنگ غیربومی (اوروک) شناخته می‌شود (Young, 2004). ظروف این دوره در گروه‌های زمخت تا ظریف، منقوش و غیرمنقوش، دارای آمیزه گاه و در مواردی ترکیبی قرار می‌گیرند. بیشتر سفال‌های مرحله سه، حرارت کافی ندیده‌اند، اما در مراحل بعدی این نسبت برابر می‌شود. پوشش‌های گلی شامل رنگ‌های نخودی، قرمز و سفید غلیظ است. در مراحل ابتدایی این دوره، ظروف دست‌ساز به نظر می‌رسند و هرچه به اواخر دوره گودین VI نزدیک می‌شویم سفال‌های چرخ‌ساز افزایش می‌یابند. اشکال سفالی این دوره بسیار متنوع بوده و دربرگیرنده کاسه، دیگ، خمره، سبو، لیوان و سینی است. یافته‌های سفالی دوره VI3 کاسه‌های نیمه‌کروی با لبه‌های به داخل برگشته و یا با دیواره عمودی دارای عمق کم تا متوسط، کاسه‌های V شکل (کاسه‌های گلدانی پهن یا مخروطی)، دیگ، سبو و ظروف با پایه‌های شیپوری منقوش و غیرمنقوش است. ظروف منقوش این مرحله دارای نقوش مسبک حیوانات و پرندگان همراه با تزئینات هندسی است که با وارد شدن به مراحل بعدی به تدریج ناپدید می‌شوند^۴. یافته‌های سفالی دوره VI2-1 سبوه‌های چهاردسته با تزئینات طنابی، مثلثی و نوارهای منقوش، کاسه‌های لبه‌واربخته، ظروف با لوله‌های خمیده و سینی‌های سفالی ساده خشن و انواع ظروف بلند با لبه‌های زمخت است (ظروف شاخص فرهنگ اوروک)، (Levine & Young, 1986; Young, 1969: 5).

گونه موسوم به کاسه‌های «V شکل» یا «کاسه‌های گلدانی» یکی از گونه‌های نسبتاً ناشناخته این دوره در ایران به‌شمار می‌رود، که تاکنون در هشت محوطه در ایران گزارش شده، اما در شمال میان‌رودان، آناتولی و سوریه در محوطه‌های بسیاری مشاهده شده‌اند و از آن‌ها با عنوان کاسه‌های کوبه (گونه‌ای از کاسه‌های کوبه) یاد می‌کنند (تصویر ۱). حضور این گونه سفالی در منطقه‌ای دور از حوزه‌های گسترش شناخته شده آن به‌ویژه در زاگرس مرکزی، می‌تواند چشم‌انداز تازه‌ای پیرامون تعاملات فرمانطقه‌ای و شناخت شاخصه‌های فرهنگی اوایل هزاره چهارم پیش از میلاد را در زاگرس مرکزی بگشاید؛ از این‌رو، نگارندگان در این نوشتار با اشاره به اهمیت این یافته‌ها، تلاش

خواهند کرد که به بررسی این نمونه‌ها در دشت کرمانشاه بپردازند و حضور این یافته‌ها را در ارتباط با خاستگاه این سفال و حوزه اصلی گسترش آن ارزیابی نمایند.

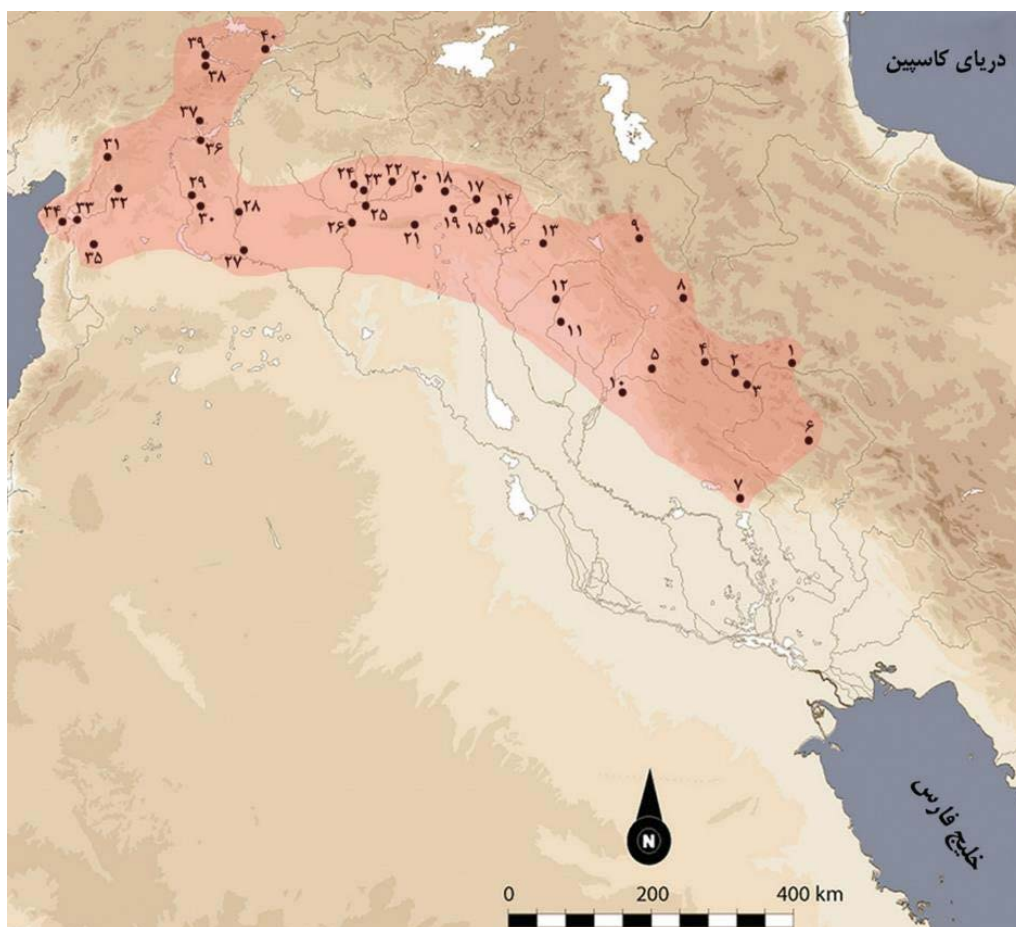
با توجه به این‌که هزاره چهارم پیش از میلاد، هم‌زمان با تغییرات عمده ساختاری، از جمله: ظهور سلسله‌مراتب اجتماعی، نوآوری‌ها در فن‌آوری و روابط اقتصادی کلان و دوربرد و در نهایت ظهور حکومت‌های آغازین و دولت‌های نخستین و شهرها است (الگاز، ۱۳۹۷؛ مجیدزاده، ۱۳۸۹)، حضور و پراکنش کاسه‌های کوبه که از آن‌ها با عنوان «کاسه‌های تولید-انبوه» نیز یاد می‌شود، نشان از ارتباطات و تعاملاتی گسترده‌تر از آن‌چه که تصور می‌شد در اوایل هزاره چهارم پیش از میلاد، میان میان‌رودان و زاگرس مرکزی است. با کاوش محوطه پیش از تاریخی تاق‌بستان، شواهدی از حضور گونه گلدانی شکل کاسه‌های کوبه، و سایر سفال‌های شاخص اوایل هزاره چهارم پیش از میلاد، به دست آمد که معرفی آن‌ها و بحث در خصوص حضور این گونه‌های سفالی در میان مجموعه مواد فرهنگی هزاره چهارم پیش از میلاد، این منطقه، می‌تواند در شناخت جایگاه زاگرس مرکزی در تعاملات فرهنگی هزاره چهارم پیش از میلاد، مؤثر واقع شود.

پرسش‌ها و فرضیات پژوهش: مهم‌ترین پرسش‌های این پژوهش عبارتند از: شاخصه‌های فناوری کاسه‌های کوبه محوطه پیش از تاریخی تاق‌بستان چیست و این نوع ظروف در کدام بازه زمانی قرار می‌گیرد؟ همچنین این‌که این یافته‌های جدید چه تصویری از حوزه پراکنش این ظروف در اختیار قرار می‌دهند؟

روش پژوهش: در این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و بهره‌گیری از اطلاعات کاوش و مطالعات کتابخانه‌ای، به بررسی و مطالعه سفال‌های محوطه پیش از تاریخی تاق‌بستان پرداخته شده است. یافته‌های این پژوهش از کاوش سال ۱۳۹۴ ه.ش.، در محوطه پیش از تاریخی تاق‌بستان به دست آمده و در کنار آن با بررسی تمامی یافته‌های منتشرشده از زاگرس مرکزی تلاش گردیده تا تصویری از گستره تازه شناخته‌شده این سفال در غرب ایران در اختیار قرار گیرد.

کاسه‌های کوبه

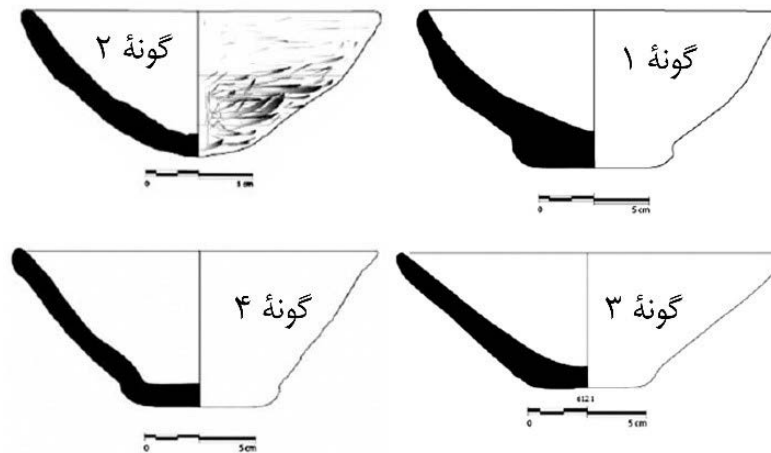
سفال کوبه اولین بار در کاوش محوطه کوبه‌هویوک (ساکچه‌گزو) در جنوب شرق آناتولی به دست آمد، به همین دلیل این نام بر این گونه نهاده شده است (Schwartz, 2001: 236). این ظروف شاخصه بارز سنت سفالی «پس از عبید» (Post-Ubaid/LC1) هستند و تا دوره مس‌وسنگ متأخر ۳ نیز حضور دارند. «روثمن» و «رووا»^۵ بر وجود اشکال مختلف کاسه‌های کوبه اشاره دارند؛ علاوه بر این، نوعی تقسیم‌بندی جغرافیایی نیز برای این ظروف در نظر گرفته‌اند که گونه‌های با دیواره دارای انحنا - که مهم‌ترین تمایز عمومی (دیواره‌ها) بین گونه‌های مختلف کاسه‌های کوبه است - در آموق، کیلیکیه و جنوب آناتولی تأیید شده است (گونه غربی) و یک نوع «V» شکل که در جزیره کبان، خابور و منطقه جزیره در شمال عراق (گونه شرقی) یافت می‌شود (Truffelli, 1997: 8-9). «اوتس» اشاره می‌کند که تاکنون دو گونه اولیه ظروف «تولید-انبوه» شناخته شده است، یکی کاسه‌های کوبه همراه با خراش‌هایی بر سطح خارجی در دوره LC1 است که در: براك، گری‌رش (جنوب جبل‌السنجار)، حمام ترکمن، کوزاق شملی، تل‌الابر در فرات و محوطه‌های غربی شناسایی شده است که ظاهراً هم‌افق با کاسه‌های ابتدایی قالب‌گیری شده موسوم به «کاسه‌های گلدانی» عریض در تپه‌گوره و تل‌حموکار است و نشان می‌دهد با توزیع متفاوت جغرافیایی از این کاسه‌های تولید انبوه سروکار داریم؛ علاوه بر این، کاسه‌های کوبه واقعی (کاسه‌های دارای خراش) در دوره عبید ۴ در تل‌عقیر (جنوب عراق)^۶ نیز یافت شده‌اند (Oates, 2012). کاسه‌های کوبه در بافت‌های مختلف باستان‌شناختی در محوطه‌های مختلف با تعداد فراوان به دست آمده‌اند^۷، به همین دلیل اغلب ایده «تولید انبوه» درباره آن‌ها مطرح شده است (Baldi, 2012a). این ظروف زمخت که فاقد



تصویر ۱. نقشه پراکندگی گونه‌های متنوع کاسه کوبه، ۱- تپه‌گودین، ۲- محوطه تاق‌بستان، ۳- محوطه جاباق (جا باغ؟)، ۴- تپه‌خیبر، ۵- محوطه مرادویس ۲، ۶- شاهزاده عبدالله، ۷- محوطه گرمسی، ۸- تپه قلعه‌ننه، ۹- تپه بادامیارربط، ۱۰- تل‌مدهور، ۱۱- تل‌ابوحسینی، ۱۲- تل‌نوزی، ۱۳- محوطه قلینج‌آغا، ۱۴- تپه‌گوره، ۱۵- محوطه نینوا، ۱۶- تل‌ارپاچیه، ۱۷- محوطه موشریفه، ۱۸- تل‌الحواء، ۱۹- تل‌الثلاث، ۲۰- تل‌حموکار، ۲۱- محوطه گری‌رش، ۲۲- تل‌لیلان، ۲۳- تل‌فرس‌الشرقی، ۲۴- چغابازار، ۲۵- تل‌براک، ۲۶- تل‌زیاده، ۲۷- تل‌زیدان، ۲۸- تپه حمام‌ترکمن، ۲۹- تل‌الآبر، ۳۰- کوزاق‌شملی، ۳۱- ساکچه‌گزو (کوبه‌هویوک)، ۳۲- اوایلم‌هویوک، ۳۳- تبارالاکراد، ۳۴- تل‌اش‌شیخ (تل‌الشیخ)، ۳۵- تل‌أفس، ۳۶- قوربان‌هویوک، ۳۷- هیاز‌هویوک، ۳۸- ارسلان‌تپه، ۳۹- دئیرمان‌تپه، ۴۰- نورشون‌تپه (نقشه از: فرانسوا دوسه و ماندانا صدفی).

جلوه زیبایی‌اند و به‌طور گسترده‌ای پخش شده‌اند، تفاوت قابل توجهی با سنت سفال منقوش و انواع ظروف ظریف مجموعه‌های سفالی پیش از عبید متأخر دارند. به عقیده پژوهشگران ظهور کاسه‌های کوبه و انواع مربوط به آن نشان‌گر مجموعه مهمی از تغییرات فرهنگی در تولید، انتشار و استفاده از کاسه‌ها است که تأثیرات زیادی بر سازماندهی کار، استانداردهای سفالی و اقدامات اجتماعی، مانند مصرف غذا دارد. به همین دلیل، فراتر از تفاوت‌های ریخت‌شناختی آن‌ها، انواع مختلف این کاسه‌های زمخت در مجموعه‌های پس از عبید به‌عنوان تعدادی از اشکال یا فرم‌های یک پدیده فرهنگی واحد^۱ تفسیر شده‌اند (Baldi, 2012a).

«جانی ساموئل بالدی» نیز با توجه به پژوهش‌های پیشین و مشاهدات شخصی، چهار گونه (تصویر ۲) برای این نوع سفال متصور است (Baldi, 2012a) که در جدول ۱، توضیحات آن



تصویر ۲. انواع کاسه‌های کوبه (Baldi, 2012a: 414-415).

جدول ۱. تقسیم‌بندی و ویژگی‌های کاسه‌های کوبه (نگارندگان، ۱۳۹۹).

گونه‌بندی کاسه‌های کوبه (Baldi, 2012a)		
گونه‌ها	ویژگی‌ها	محوطه‌ها
۱	دارای پایه نسبتاً تخت و دیواره‌ای نسبتاً گرد بوده و در مواردی شاهد خراش‌هایی بر سطح خارجی ظرف هستیم.	در تل ابوحسینی، لیلان VIIb، قوربان هویوک VII و نورشون 17 K / J حضور دارد (حوزه شرقی). نمونه‌ای نیز در حوضه قویوق ^{۱۳} مشاهده شده است (حوزه غربی).
۲	دارای پایه گرد و دیواره محدب همراه با خراش‌هایی بر نیمه پایین ظرف است.	در تل فرس ^{۱۴} در لایه ۱۰ (نمونه‌های بسیار نادر، بدون خراش) ظاهر می‌شوند. این نوع به خوبی در منطقه غربی بین حوضه قویوق، در آفس ۱۸، اوپلوم هویوک، تبارا لاکراد VI-VII، ساکچه گزو، حمام ترکمن VA، هاروم هویوک D0012، تل شیخ ۴-۱ و تل الابر ۲ ^{۱۴} و نیز در منطقه شرقی، در لیلان IVb در منطقه لیلان، در ابوحسینی، نورشون تپه، و در حوضه خابور در زیادا ۱۵-۱۶ و چغابازار (مجموعه‌های سطحی) ^{۱۵} حضور دارند.
۳	شبه گونه پیشین است: دیواره‌ها بلندتر، اما بدنه گرد و زمخت است، گاهی خراش‌هایی بر بخش پایینی سطح خارجی دارد و پایه آن نسبتاً صاف یا تخت است. ^{۱۶}	این گونه از کاسه در تل فرس طی دوره عبید متأخر و LC1 مشاهده می‌شود. در واقع ظهور اولیه آن در لایه‌های عبید در تل مدهور، تل ابوحسینی ۱-۳، زیادا ۴-۵، و اریاچیه ^{۱۷} است. در این نمونه‌های اولیه شرقی، خراش‌ها حضور ندارند. همچنین این نمونه همراه با مقداری نمونه‌های منطقه شرقی در عبید متأخر، LC1 و LC2 اولیه است. مثل هاروم هویوک، تارسوس و تبارا لاکراد VI-VII ^{۱۸} . اما در بخش غربی بین عبید متأخر و LC2 نمونه‌های خراش داده شده‌ای است که مصداق آن در ساکچه گزو IVA، مرسین XIII-XIV، دئیرمان تپه، ارسالان تپه VIII، حوضه قویوق، هیاز هویوک ۴-۶، حمام ترکمن VA ^{۱۹} مشاهده می‌شود.
۴	به عنوان کاسه‌های گلدانی عریض یا پهن با فرمی مخروطی یا نسبتاً آفرشته شناخته می‌شوند، که سطحی نسبتاً زمخت و پایه‌ای صاف دارد (انتهای ظرف معمولاً خراش ندارد).	در تل فرس این فرم در طی دوره عبید متأخر (لایه ۱۰) ظاهر می‌شود. در LC2 تعداد آن‌ها افزایش می‌یابد و برخی تغییرات در خمیره (همچنان آمیزه کاه است اما ظریف‌تر می‌شود) و فن پایانی مشاهده می‌شود: نمونه‌های LC2 دیواره‌های ضخیم شده مرتب‌تری دارند و با دست صاف شده‌اند. این نمونه در تپه گوره از LC1 به LC2 و حتی LC3 نیز مشاهده می‌شوند. ^{۲۰} این گونه به عنوان نسخه شرقی کاسه‌های کوبه به دلیل انتشار در گری‌رش، نورشون تپه 17 K/J لایه ۱۱ به سمت 18-19 J/K لایه ۵، تل الحوا، براک 13 CH، قلینجی آغالایه IV و پیرو آن در زیادا ۱۴، نینوا ۳، نوزی، موشریفه، تلول الثلاثا II لایه‌های b-VIIa ^{۲۱} در نظر گرفته می‌شود. اما برخی نمونه‌ها همچنان در دئیرمان تپه و یا در ساکچه گزو IVa-IVc ^{۲۲} حضور دارند.

قابل مشاهده است؛ به طور کلی، کاسه‌های کوبه ظاهری نسبتاً زمخت داشته و دارای آمیزه کاه و در موارد بسیار اندکی خرده سنگ هستند، اغلب دارای خراش در نیمه پایینی سطح خارجی ظرف بوده، پخت نامناسب دارند و دست ساز هستند و در مواردی برای ساخت آن‌ها از چرخ‌کند استفاده شده است. روئمن بیان می‌کند که کاسه‌های گلدانی پهن همچون پسرعموهای خود کاسه‌های لبه‌وار یخته، دارای شکلی زمخت و آمیزه کاه بوده (Rothman, 2002: 54) و از لحاظ کیفیت ساخت و شباهت در شکل بدنه مشابه با کاسه‌های لبه‌وار یخته آغازین هستند.

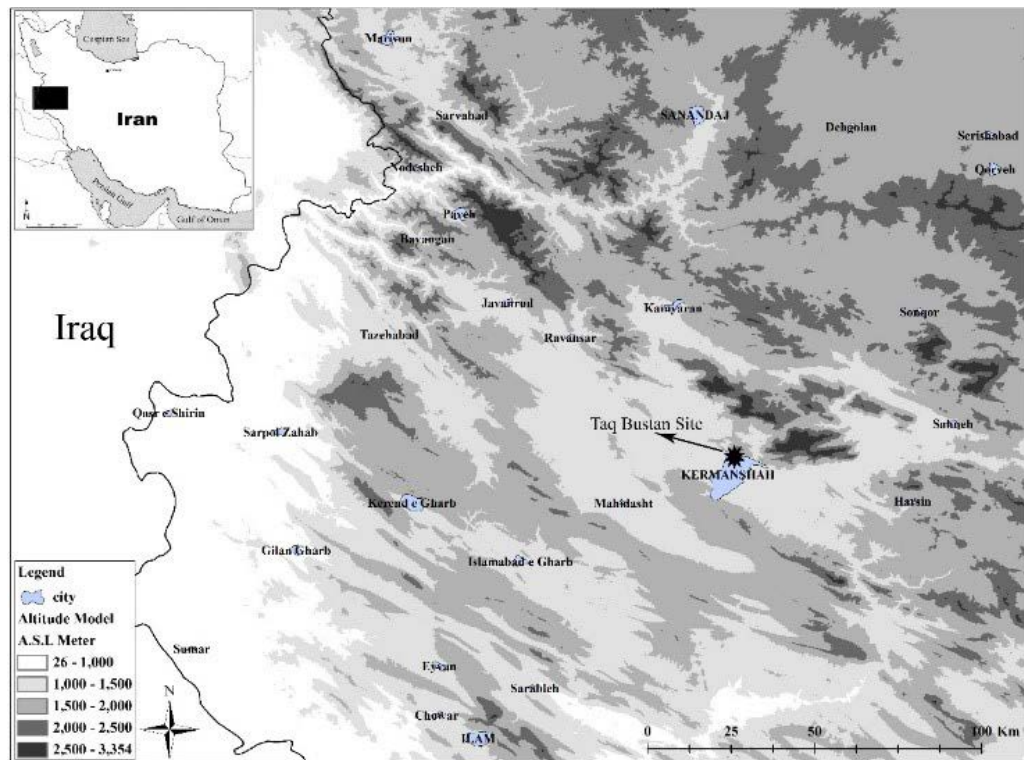
در این مقاله به کاسه‌های کوبه (با عنوان کاسه‌های گلدانی پهن) یافت شده از محوطه پیش‌اتاریخی تاق‌بستان پرداخته خواهد شد که نشان‌دهنده حوزه گسترش سنت تولید این گونه به بخش‌های غربی ایران چون زاگرس مرکزی در دوره مس و سنگ جدید است.

مکان / بافت کشف کاسه‌ها

بافت باستان‌شناختی که کاسه‌ها در آن پیدا شده‌اند بیشتر نشان‌دهنده فعالیت‌های روزمره، مانند خوردن وعده‌های غذایی است؛ برای مثال، در ساکچه‌گرو، به نظر می‌رسد استفاده خانگی داشته‌اند (حداقل در لایه IVA)، اما در لایه‌های IVB و IVC (جایی که بیشترین تمرکز این ظروف روشن شده است) اغلب به عنوان نهشته‌هایی از قطعات دورریخته شده ظاهر می‌شوند، که مملو از استخوان‌های حیوانی، اما بدون ساختارهای قابل شناسایی اند^{۳۳}. در اوپلوم‌هویوک نیز در خاک لایه‌های جمع‌آوری شده و در یک مجموعه نهشته‌های سرازیر شده در بخش غربی دیوار بازالتی بزرگ (احتمالاً یک سکو)، پیدا شده‌اند که به نظر می‌رسد جدای از دیوار بزرگ، مابقی سازه‌ها کارکرد خانگی داشته‌اند^{۳۴}. در تل زیاده نیز ارتباط بین کاسه‌های کوبه و سازه‌های خانگی مشخص است^{۳۵}. در دئیرمان تپه، در فرات علیا در ترکیه، چندین مجموعه از قطعات کاسه‌های کوبه در ساختار مسکونی لایه VII، همچنین در گودال زباله نزدیک اجاق و محل برپایی آتش^{۳۶} پیدا شده است. در تل فرس طی دوره LCI مجموعه‌ای از کاسه‌های کوبه پیدا شده‌اند. طی کاوش در فرس زیر راه‌پله، قطعات کاسه کوبه و مهم‌تر از همه یک خمره ذخیره بزرگ با هم انبار شده بود. قطعات بی‌شماری از کاسه در داخل خمره پیدا شد، اما به صورت خاص در مقادیر ویژه‌ای روی کف خارجی ظاهر می‌شوند، جایی که کاسه‌های کوبه و قطعات سفالی منقوش با هدف پذیرایی مرتب شده بودند. علاوه بر این، قطعات این ظرف در لایه‌های پر شده نیز حضور داشتند^{۳۷}. در تپه حمام ترکمن دوره VA آن‌ها با یک ساختمان بزرگ، احتمالاً سه بخشی در ارتباط هستند و به دلیل سایر مستندات کاسه‌ها را در ارتباط با کارکرد مذهبی می‌دانند^{۳۸}. در نورشون تپه لایه X پراکندگی قابل توجهی از گونه چهارم کاسه‌ها (کاسه‌های گلدانی پهن) در دو اتاق کوچک از یک مجموعه معماری سه بخشی انباشته شده بودند که ردپایی از فعالیت‌های تخصصی صنایع دستی و عملکردهای خاص، مانند تجدید دیدارها و شاید مراسم را نشان می‌داد^{۳۹} و اما در تپه‌گوره در لایه XII در دو انبار کوچک از یک ساختمان واقع در ضلع غربی راه ورودی پیدا شده‌اند که به عنوان یک خانه یا مکان کاربردی برای کارگران حیاط مجاور تفسیر شده است. علاوه بر این در همان سطح در «ساختمان اتاق سفید» نیز نمونه‌هایی به دست آمده که به نظر می‌رسد کارکردی مذهبی داشته باشد. در لایه XI کاسه‌های گلدانی عریض^{۴۰} در حیاط جلوی ساختمان عمومی که دارای کارکرد مذهبی نیست، پیدا شده‌اند^{۴۱}. در لایه XA این ظروف در یک نهشته اولیه در محدوده‌ای که به تهیه و سرو غذا اختصاص داده شده بود، مانند ساختمان‌های نزدیک به سازه سه جانبه که «معبد» خوانده می‌شوند^{۴۲}، ثبت شده است. این نمونه‌ها همچنین در بافتی که نشان‌دهنده انجام اعمال سحرآمیز یا معنوی است، ثبت شده‌اند؛ مانند کاسه واژگون^{۴۳} که در شمال مجتمعی از اتاق‌ها واقع شده است که احتمالاً به فعالیت‌های پیشه‌وری/صنعتی اختصاص داشته است.

محوطه تاق بستان

مجموعه آثار تاریخی تاق بستان در شمالی‌ترین بخش شهر کرمانشاه قرار دارد و در جوار آن بقایای گورستانی موسوم به گورستان پارتی در دامنه کوه تاق بستان در محدوده پارک جنگلی غربی و در بخش شمالی محدوده سازمان پارک‌ها و فضای سبز شهرداری کرمانشاه قرار گرفته است (تصاویر ۳ و ۴). این مکان در سال ۱۳۴۹ ه.ش.، توسط «سیف‌الله کامبخش فرد» کاوش شد و ۵۰ گورخمره دوره اشکانی از آن به دست آمد (کامبخش فرد، ۱۳۷۷؛ ۱۳۷۹؛ ۱۳۸۶). در زیر گورستان دوره اشکانی بقایای دوره پیش از تاریخ قرار داشت که در وسعت قابل توجهی کاوش شد، با این حال اطلاعاتی از این استقرار منتشر نشد. در سال ۱۳۹۳ ه.ش.، مجموعه‌ای از سفال‌های سطحی محوطه توسط «میرقادری» و «هژیری» مورد بررسی قرار گرفت. این دو، محوطه را هم‌زمان با مرحله سوم گودین VI دانسته‌اند (میرقادری و هژیری، ۱۳۹۶). در سال ۱۳۹۴ ه.ش.، محوطه مجدداً توسط «علی بیگی» کاوش و همچنین تعیین حریم شد و مجموعه تازه‌ای از یافته‌هایی مربوط به هزاره چهارم پیش از تاریخ، به دست آمد که آثار و بقایای آن را می‌توان در محدوده‌ای به وسعت حدود سه هکتار مشاهده کرد. طی این فعالیت، چهار کارگاه (I، ترانشه) (A, A1, B, C) و ۲۶ گمانه کاوش گردید که بیشترین یافته‌ها از کارگاه C به دست آمده است. آثار به دست آمده شامل معماری از نیمه نخست هزاره چهارم پیش از میلاد، ظروف، قطعات سفالی شکسته، تیغه‌های سنگی، دست‌ساخته‌های استخوانی، مهره، مَهر مسطح و پایه‌های اجاق است. براساس مطالعات میدانی و مشابَهت‌های گونه‌شناختی این استقرار هم‌زمان با گودین VI3 تاریخ‌گذاری شده است (علی بیگی و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۵۱-۴۴۴).



تصویر ۳. موقعیت تاق بستان در شمال شهر کرمانشاه (نقشه از: سعید بهرامیان).

سفال محوطه

طی طبقه‌بندی و گونه‌شناسی سفال‌های مجموعه، به ترتیب تعداد ۲۶۶ کاسه (شامل ۱۶ گونه و یک گروه با اشکال متنوع)، ۱۰۹ تگار (۱۴ گونه و گروهی با اشکال متنوع)، ۵۰ خمره (۱۰ گونه و گروهی



E7

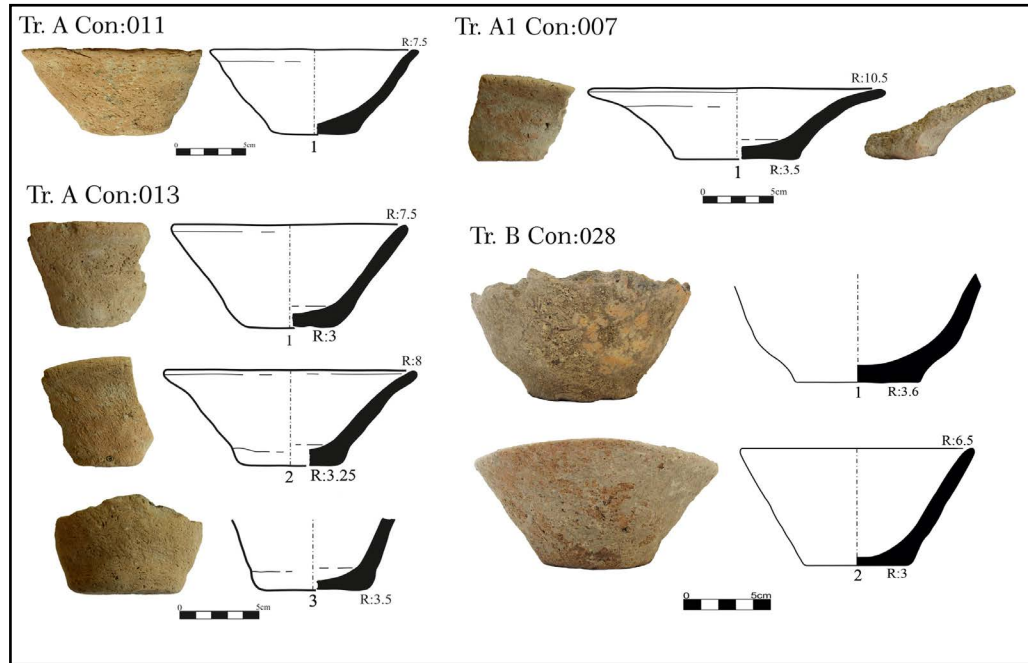
تصویر ۴. محدوده کلی محوطه گورستان پارتی در تصویر هوایی «اریخ اشمیت» (اشمیت ۱۳۷۶: تصویر ۹۵).

با نمونه‌های متنوع)، ۲۶ سبو (پنج گونه و گروهی با نمونه‌های متفاوت)، ۱۶ تنگ (سه گونه و گروهی با اشکال متنوع)، ۱۴ لیوان (دو گونه و گروهی با نمونه‌های متفاوت)، ۱۱ سینی (دو گونه و گروهی با اشکال متفاوت)، ۱۰ دیگچه (دو گونه و گروهی با نمونه‌های متفاوت)، چهار آبکش، سه حقه، یک قوری و یک کوزه شناسایی شد که کاسه‌های کوبه اولین گونه تشکیل دهنده کاسه‌ها (۸۸ عدد) هستند.

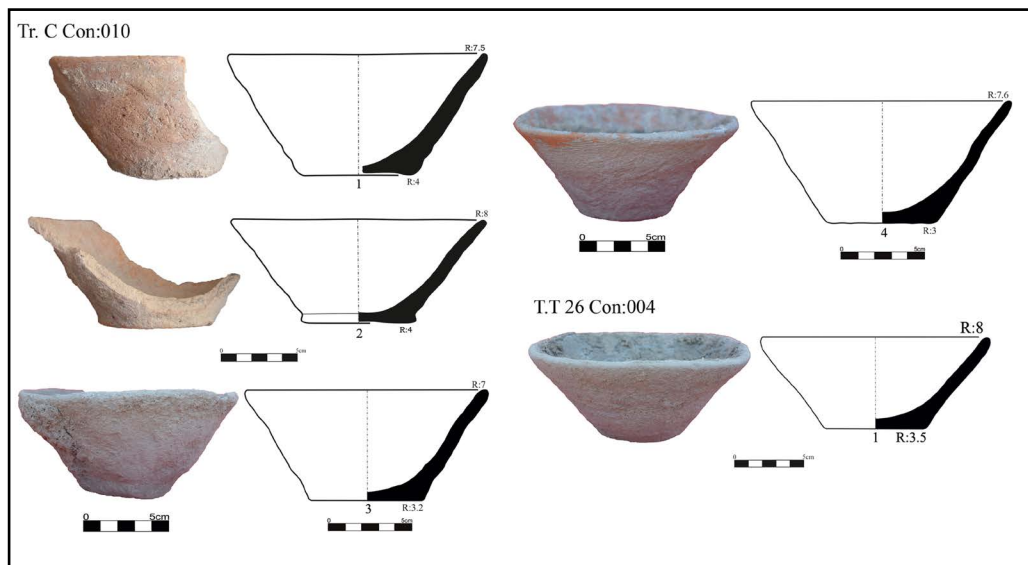
کاسه‌های V شکل (کاسه‌های گلدانی و یا کاسه‌های مخروطی)

این گروه کاسه در مجموعه سفال‌های محوطه، شامل ۸۸ نمونه (نخستین زیرگونه از گونه اول کاسه‌ها با بیشترین تعداد قطعات) است.^{۳۴} کاسه‌های این گونه دارای خمیره قهوه‌ای ۶۴٫۷۷٪، نخودی ۲۵٪، خاکستری ۹٫۰۹٪ و نارنجی ۱٫۱۴٪ است. تمامی قطعات آمیزه کاه دارند و از نظر کیفیت ساخت در سه گروه زمخت ۷۴٫۷۱٪، متوسط ۲۴٫۱۴٪ و نسبتاً ظریف ۱٫۱۵٪ جای می‌گیرند. از نظر میزان پخت ۹۰٫۹۱٪ مجموعه دارای پخت ناکافی و ۹٫۰۹٪ دارای پخت کافی است. به نظر می‌رسد فرم ابتدایی ظرف توسط دست شکل داده شده و در پایان فرم نهایی آن‌ها توسط چرخ شکل داده شده است. قطر دهانه کاسه‌ها از ۱۳ تا ۲۴ سانتی‌متر و قطر پایه‌ها بین هفت، هشت و ۱۰ سانتی‌متر متغیر است. سطح این گونه ناهموار بوده و اغلب بر سطح خارجی شاهد خراش‌هایی بر نیمه پایینی ظرف و خطوط موازی بر نیمه بالایی ظرف هستیم (تصویر ۶). ضخامت بدنه بیشتر قطعات کاملاً یک‌دست نیست و در برخی موارد متغیر است. تعدادی از قطعات تغییر شکل داده‌اند، اما این وضعیت نه به دلیل حرارت بالای کوره، بلکه احتمالاً در زمان جابه‌جایی روی داده است. ویژگی دیگر، فرم ناهمگون دهانه ظروف است که در مواردی قطر آن‌ها به‌طور دقیق قابل اندازه‌گیری

نیست؛ چنین ویژگی نیز در خصوص ارتفاع ظروف صادق است و در ظروف با مقطع کامل ارتفاع کاسه‌ها از ۶ تا ۹٫۲ سانتی‌متر متغیر است (تصاویر ۵ و ۶، جدول ۲). بر سطح پایه کاسه‌ها آثاری از بریدگی توسط نخ (کف نخ‌بر) مشاهده نشده و اغلب شاهد کف نسبتاً صاف، دارای پستی و بلندی و تعداد اندکی کف صاف شده، هستیم (تصویر ۸).



تصویر ۵. طرح و تصویر کاسه‌های کوبه (کاسه‌های گلدانی شکل) محوطه پیش‌ازتاریخی تاق‌بستان (طرح‌ها از: سمیه زینعلی و تصاویر از: ماندانا صدفی).



تصویر ۶. طرح و تصویر کاسه‌های کوبه (کاسه‌های گلدانی شکل) محوطه پیش‌ازتاریخی تاق‌بستان (طرح‌ها از: سمیه زینعلی و تصاویر از: ماندانا صدفی).

جدول ۲. مشخصات فنی کاسه‌های کوبه (گلدانی شکل) تصاویر ۵ و ۶ (نگارندگان، ۱۳۹۹).

شماره طرح	کارگاه و کانتکست	ارتفاع (سانتی‌متر)	قطر لبه (سانتی‌متر)	قطر پایه (سانتی‌متر)	ضخامت بدنه (میلی‌متر)	آمیزه، رنگ خمیره، پخت و شیوه ساخت	رنگ سطح
۱	A. 011	۶,۲۱	۱۵	۷-۷,۵	۶,۵ متغیر	آمیزه کاه، خمیره قهوه‌ای، مغز سفال خاکستری، پخت ناکافی، دست‌ساز	سطح خارجی قهوه‌ای، سطح داخلی قهوه‌ای و نارنجی
۱	A. 013	۶,۹	۱۴-۱۵	۶	۸	آمیزه کاه، خمیره قهوه‌ای، مغز سفال خاکستری، پخت ناکافی، دست‌ساز	هر دو سطح نخودی مایل به قهوه‌ای
۲	A. 013	۶,۷۵	۱۵-۱۶	۶,۵	۹	آمیزه کاه، خمیره قهوه‌ای، مغز سفال خاکستری، پخت ناکافی، دست‌ساز	هر دو سطح نخودی مایل به قهوه‌ای
۳	A. 013	غیر قابل اندازه‌گیری	-	۷,۵	۷	آمیزه کاه، خمیره قهوه‌ای، مغز سفال خاکستری، پخت ناکافی، دست‌ساز	سطح خارجی قهوه‌ای، سطح داخلی دارای رسوب
۱	A. 007	۵,۵۷	۲۱	۷	۸	آمیزه کاه، خمیره قهوه‌ای، مغز سفال خاکستری، پخت ناکافی، دست‌ساز	هر دو سطح قهوه‌ای
۱	B. 028	غیر قابل اندازه‌گیری	-	۷	۷-۸	آمیزه کاه، خمیره نخودی، مغز سفال خاکستری، پخت ناکافی، دست‌ساز	هر دو سطح نارنجی
۲	B. 028	۷,۳	۱۳	۷	۸	آمیزه کاه، خمیره قهوه‌ای، مغز سفال خاکستری، پخت ناکافی، دست‌ساز	هر دو سطح قهوه‌ای
۱	C. 010	۸,۲	۱۶	۷,۵-۸	۷ متغیر	آمیزه کاه، خمیره قهوه‌ای، مغز سفال خاکستری، پخت ناکافی، دست‌ساز	سطح خارجی قهوه‌ای تیره، سطح داخلی دارای رسوب
۲	C. 010	۶,۹	۱۶	۷-۷,۵	۶,۶ متغیر	آمیزه کاه، خمیره نخودی تیره، مغز سفال خاکستری، پخت ناکافی، دست‌ساز	هر دو سطح قهوه‌ای
۳	C. 010	۶,۵	۱۴	۶,۴	۵,۶	به علت سالم بودن ظرف مشخص نیست	هر دو سطح دارای رسوب
۴	C. 010	۷,۲	۱۵,۲	۶	۶,۵ متغیر	آمیزه کاه، سایر مشخصات به دلیل سالم بودن و رسوب‌گرفتنی ظرف قابل تشخیص نیست	نارنجی مایل به قهوه‌ای
۱	T.T 26 Con 004	۶,۷	۱۶	۷	۷-۸	به علت سالم بودن ظرف مشخص نیست	هر دو سطح دارای رسوب



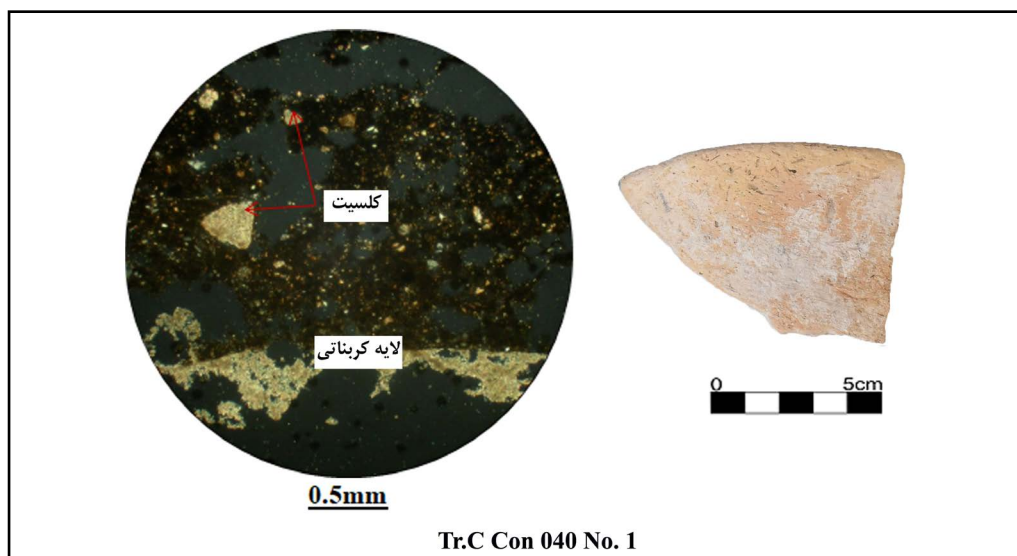
تصویر ۷. اثرات خراش و خطوط موازی بر سطح کاسه‌های کوبه محوطه پیش‌اتاریخی تاق‌بستان (تصاویر از: ماندانا صدفی).



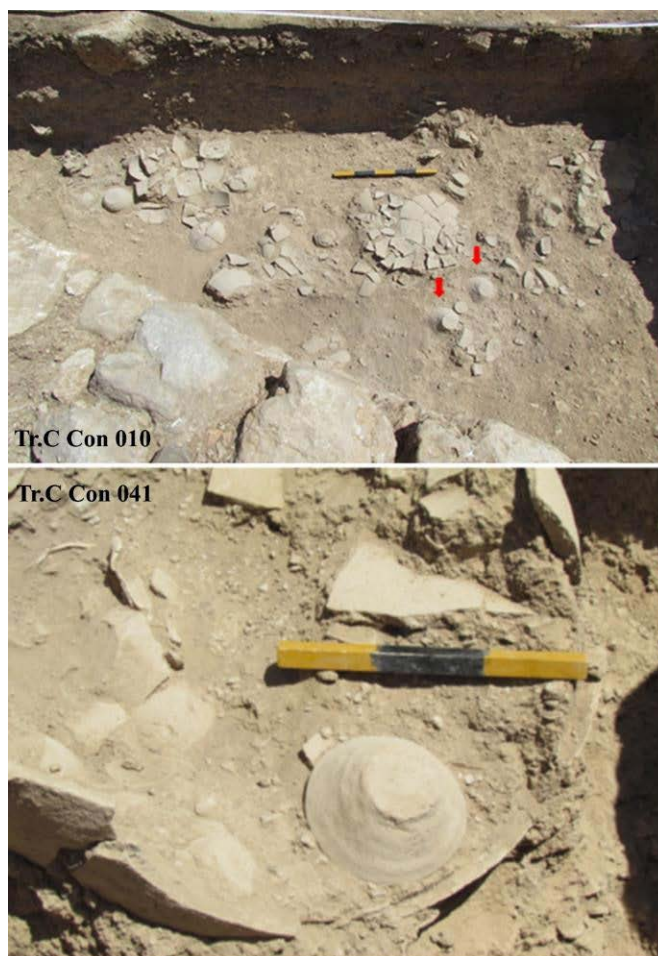
تصویر ۸. سطح پایه کاسه‌های کوبه محوطه پیش از تاریخی تاق بستان (تصاویر از: ماندانا صدفی).

برای پی بردن به منشأ بومی و یا غیربومی مواد تشکیل دهنده سفال‌های محوطه تاق بستان، شش نمونه به آزمایشگاه پژوهشکده حفاظت و مرمت پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری ارسال شد که در میان این نمونه‌ها، یک قطعه لبه از کاسه‌های مورد بحث در این نوشتار نیز ارسال گردید که نتیجه بررسی پتروگرافی آن توسط «سیدایرج بهشتی» تأییدکننده فرضیات نگارندگان درخصوص بومی بودن فرآیند تولید این نوع کاسه در محوطه پیش از تاریخی تاق بستان بود. نمونه آزمایش شده دارای بافت سیلتی و خمیره ناهمگن همراه با خلل و فرج است. در این مورد، در حاشیه، رنگ خمیره قهوه‌ای کم‌رنگ و در مرکز تیره است، البته لازم به توضیح است که از نظر ترکیب تفاوتی در خمیره قهوه‌ای روشن و تیره دیده نمی‌شود و علت ایجاد این حالت شرایط پخت کوره و فرآیند اکسیداسیون و احیا است (تصویر ۹).

نمونه‌های قابل مقایسه با این گونه کاسه‌ها در محوطه‌هایی چون: گودین، دوره VI3 (بدلر، ۱۳۸۹: ۵۵، شکل ۱۶: 34 Gd73-201 Bkc P4؛ روئمن و بدلر، ۱۳۹۵: ۱۰۸، تصویر ۴۸، گونه Id- (VI:2)، تاق بستان، تپه خیبر روانسر (علی بیگی و بریش، ۱۳۹۸)، درود فرامان کرمانشاه (رضائی‌نیا، ۱۳۹۵: ۹۴۰، طرح ۳)، تپه مرادویس ۲ در سرپل زهاب (علی بیگی، ۱۳۹۴؛ فتاحی، ۱۳۹۸)، گرمسی دهلران (نیلی و رایت، ۱۳۹۶: ۶۵، شکل ۳-۴: الف، ب، ج)، محوطه شاهزاده عبدالله خرم‌آباد، تپه بادامیارربط (عابدی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۷۳، تصویر ۴)، قلعه ننه مریوان (محمدی‌قصریان، ۱۳۹۹: ۵۴، تصویر ۲، شماره ۲)، به دست آمده‌اند؛ اما در شمال میان رودان، آناتولی و سوریه در محوطه‌های بسیاری مشاهده شده‌اند و از آن‌ها با عنوان کاسه‌های کوبه (گونه‌ای از کاسه‌های کوبه) یاد می‌کنند که در محوطه‌هایی چون: گوره XII-XI (Tobler, 1950, Pl CXXXIV:260-261; Pl) می‌کنند.



تصویر ۹. فتومیکروگراف، نمونه (Tr.C. Con ۰۴۰) (No ۱)، نور XPL، طول میدان دید ۲,۷mm، بافت سیلتی، خمیره ناهمگن. قطعات فراوان کانی کلسیت و لایه کربنات کلسیم در تصویر کاملاً مشخص است. فضای خالی موجود به رنگ تیره دیده می‌شود (تصاویر از سیدایرج بهشتی).



تصویر ۱۰. ترانشه C، کانتکست ۰۴۱ و ۰۱۰، نمونه‌ای از کاسه‌های کوبه که به شکل وارونه بر روی سطح و در درون خمیره قرار داشتند (تصاویر از سجاد علی بیگی).

Kepinski, 2011: Pl, 4: 11, Pl, 12:); گری‌رش اربیل (CXXI: 328, 330; Pl CXLIV: 367-371 Baldi & Abu Jayyab, 2012: 174, Fig 1; P: 176, Fig. 3; P: 179, Fig. 6)، تل‌فرس سوریه (7,11)، تپه‌حموکار سوریه (Fig. 6)، تپه‌حموکار سوریه (Abu Jayyab, 2012: 108, Fig. 1, N 3; 121, Fig. 14, N 1, 3)، تل‌زیدان (Stein, 2012: 133, Fig. 4. f, P: 134, Fig. 5. b)، نینوا ۳ (Vera Gut, 1995: Pl: 55, 819)، ارسلان تپه VII (Frangipane, 2000, P: 457, Fig. 3; P: 458, Fig. 4, P: 459; Fig. 5)، ساکچه‌گزو (کوبه‌هویوک) (Esin & Harmankaya, 1985: Pl: X.D84-73; Plat Taylor) IVA-IVc (et al., 1950: Fig. 16.1, 18.5) و بسیاری از محوطه‌های دیگر مشاهده کرد^{۳۷}. این نوع کاسه‌ها را می‌توان گونه‌ای از کاسه‌های کوبه در نظر گرفت که «جانی ساموئل بالدی» از آن‌ها به عنوان «کاسه‌های عریض»^{۳۸} و «کاسه‌های مخروطی‌شکل» یا به عبارت دیگر «کاسه‌های دهانه‌باز»^{۳۹} نام برده است. کاسه‌های کوبه تاق‌بستان مشابه گونه‌های سه و خصوصاً گونه چهار این نوع کاسه در تقسیم‌بندی بالدی است. این گونه سفال‌ها در دوره گودین 2-VI3 قابل مشاهده است، تنها با این تفاوت که در مرحله دوم این سفال‌ها از لحاظ آمیزه دچار تغییر شده، کف‌ها به صورت نخ‌بر و بدنه ظروف به صورت صاف و هموارتر مشاهده می‌شوند که به آن‌ها کاسه‌های گلدانی یا شکل V می‌گویند. نکته جالب در خصوص این گونه از کاسه‌ها، شباهت تقریبی شیوه ساخت آن با کاسه‌های لبه‌واربخته آغازین است که به عنوان مثال می‌توان آن‌ها را با سفال دوره اوروک قدیم آکروپل شوش (Steve & Gasche, 1971: 155, Pl. 30, N1)^{۴۰} مقایسه کرد. به نظر «ویرجینیا بدلر» این نوع کاسه‌ها از اواخر دوره گودین VI ظاهر می‌شوند که براساس گاهنگاری روزآمدشده گودین هم‌افق با دوره VI3 است و از آن‌ها با عنوان کاسه‌های نوع بومی یاد کرده است (بدلر، ۱۳۸۹). این کاسه‌ها در کارگاه C تاق‌بستان و در بافت شماره ۱۰^{۴۱} که دربرگیرنده دومین کف استقراری در این کارگاه است به صورت وارونه و در بافت ۴۱ درون یک خمره به صورت وارونه ثبت شده‌اند که نشان‌دهنده یک سطح استقراری با کاربری خانگی و روزمره است (تصویر ۱۰).

نتیجه‌گیری

براساس مقایسه‌های سفالی انجام‌شده و هم‌سنجی نمونه‌های دارای گاهنگاری مطلق از محوطه‌های فلات مرکزی، زاگرس مرکزی و محوطه‌های خارج از مرز ایران و همچنین با توجه به تاریخ به‌دست‌آمده (نمونه کربن ۱۴) از مرحله یک دوره گودین VI، تاریخی در حدود ۳۸۰۰ یا ۳۷۰۰ (LC2-3) را برای استقرار دوره مس‌وسنگ تاق‌بستان و مواد سفالی آن می‌توان پیشنهاد کرد. در میان یافته‌های فرهنگی این محوطه کاسه‌های کوبه گلدانی-عریض با ظاهری نسبتاً زمخت، سطحی ناهموار، آمیزه‌کاه و عموماً با پخت ناکافی حضوری پررنگ دارند که حوزه گسترش شناخته‌شده آن در برگیرنده میان‌رودان شمالی، سوریه و آناتولی است. این کاسه‌ها از ویژگی‌های بازار سنت سفالی دوره «پس از عبید» محسوب می‌شوند که تا دوره LC3 تداوم می‌یابد. طی تقسیم‌بندی‌های انجام‌شده توسط پژوهشگران، کاسه‌های کوبه محوطه پیش‌ازتاریخی تاق‌بستان قابل مقایسه با گونه سه و چهار این کاسه با فرم V شکل است که بیشتر در حوزه‌های شرقی چون جزیره کبان، خابور و منطقه جزیره در عراق مشاهده شده است، اما نمونه‌هایی از این کاسه‌ها در حوزه‌های غربی چون: أموق، کیلیکیه و جنوب آناتولی نیز حضور دارد. مسلم است که با انجام کاوش‌ها و بررسی‌های بیشتر احتمال تغییر این حوزه‌بندی وجود دارد، کما این‌که نمونه‌هایی از گونه V شکل در نواحی غربی نیز حضور دارد. به دلیل کشف مقادیر فراوانی از این کاسه‌ها در بافت‌های باستان‌شناختی عموماً با عنوان کاسه‌های تولید-انبوه نیز یاد می‌شوند و کارکرد نسبت داده شده به این‌گونه عموماً دربرگیرنده بافتی خانگی است. نمونه کاسه‌های محوطه تاق‌بستان نیز در تعداد زیاد، و در کف استقراری و داخل خمره به صورت وارونه پیدا شده‌اند. حضور این کاسه‌ها

همراه با کاسه‌های بدنه کروی دارای انحنا (لبه ساده، لبه برجسته و بدنه شیاردار)^{۴۲}، کاسه‌ها^{۴۳} و تگارهای لبه گرد شده^{۴۴} و ظروف منقوش قابل مقایسه با گودین دوره VI3 حائز اهمیت است؛ علاوه بر این ظروف، حضور سایر فرم‌های دیگر چون: خمره‌های لبه پهن و لبه گرد بسیار برجسته، سینی‌های بیضی شکل با پوشش گلی غلیظ، تنگ و سبوه‌های لبه برگشته، انواع دیگچه و لیوان، حاکی از حضور متنوع سفال‌های اوایل هزاره چهارم پیش از میلاد در این محوطه است. کاوش در محوطه پیش از تاریخی تاق بستان نشان از گسترش حوزه کاسه‌های کوبه به مناطق غربی ایران چون دشت کرمانشاه در زاگرس مرکزی است. علاوه بر این، این کاسه‌ها در سرپل زهاب، ماهیدشت، لرستان، ایلام، کردستان و جنوب دریاچه ارومیه نیز حضور دارند که تاکنون به حضور آن‌ها در این مناطق و ارتباط آن‌ها با کاسه‌های کوبه اشاره‌ای نشده بود. وجود کاسه‌های کوبه همراه با سایر فرم‌های سفالی قابل مقایسه در مناطق مختلف در درون مرزهای کنونی ایران و نمونه‌های فراوان قابل مقایسه با آن در میان رودان شمالی، آناتولی و سوریه و وجود خراش بر روی ظروف این محوطه‌ها، خصوصاً کاسه‌ها که یکی از ویژگی‌های سنت سفالی میان رودان شمالی (سفال کاهرو و یا فرهنگ پس از عبید) طی اواخر هزاره پنجم و اوایل هزاره چهارم پیش از میلاد، هستند، نشان دهنده رواج و تداوم حضور فرهنگ سفالی میان رودان شمالی در کنار فرهنگ سفالی اوروک اولیه در زاگرس مرکزی و بازتابی از روابط گسترده منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای میان این مناطق است^{۴۵}. باتوجه به فراوانی نمونه‌هایی از این دست در کاوش محوطه تاق بستان، انتظار وارداتی بودن این ظروف و تولید غیربومی آن‌ها منطقی نیست، موضوعی که نتایج بررسی پتروگرافی نیز آن را تأیید می‌کند.

سپاسگزاری

از پژوهشکده باستان‌شناسی برای موافقت با گمانه‌زنی در محوطه پیش از تاریخی تاق بستان، از آقای علی فله‌گری (مدیر کل محترم وقت اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کرمانشاه) و آقای علیرضا مرادی بیستونی (مدیر محترم وقت پایگاه میراث فرهنگی و گردشگری تاق بستان) برای تأمین اعتبار گمانه‌زنی و همکاری در زمینه اجرای کار میدانی در محوطه و به‌ویژه از تمامی اعضاء محترم هیأت بسیار سپاسگزاریم. همچنین مایلیم از آقای سید ایرج بهشتی برای تجزیه و تحلیل پتروگرافی نمونه سفال‌های تاق بستان قدردانی نماییم.

پی‌نوشت

۱. این دوره بسیار زودگذر بوده و اطلاعات زیادی از آن در دسترس نیست (Young, 1969; Levine & Young, 1986). این دوره در گاهنگاری روئمن LC1 را دربرگرفته و هم‌زمان با افق پس از عبید (Post-Ubaid) در میان رودان شمالی است (روئمن و بدلر، ۱۳۹۵: ۶۰).
۲. این مرحله در برگیرنده LC2 هم‌زمان با نیمه ابتدایی اوروک قدیم است (روئمن و بدلر، ۱۳۹۵: ۶۰).
۳. مرحله VI3 در برگیرنده LC2 و هم‌زمان با نیمه انتهایی اوروک قدیم، VI2 در برگیرنده LC3-4 هم‌زمان با اوروک میانی و VII در برگیرنده LC5 هم‌زمان با اوروک جدید است (روئمن و بدلر، ۱۳۹۵: ۶۰).
۴. این مرحله از گودین هم‌زمان با اوروک قدیم در میان رودان است که از ویژگی‌های سفالی این دوره می‌توان به کاسه‌های لبه‌واربخته‌آغازین، کاسه‌های لبه مهره‌ای، کاسه‌هایی با نوار افزوده فشاری، کاسه‌های لبه مدور، لوله‌های مسقیم، خمره‌های Flared Round Rim نام برد. سفال‌های این دوره دارای آمیزه گیاهی، کربنات‌کلسیم خرد شده و تزئینات ساده همراه با نقش افزوده هستند (نیلی و رایت، ۱۳۹۶: ۴۴، برای اطلاعات بیشتر نیز ر.ک. به: Nissen, 1972; Abu Al-Soof, 1985; Johnson, 1973).
5. Rothman, 2002: 58, Rova, 2007.
6. Lloyd & Safar, 1943.
۷. «اوتس» اشاره می‌کند درست است که محوطه مرجع کاسه‌های کوبه، ساکچه‌گرو (کوبه‌هویوک) است، اما ریشه احتمالی این کاسه باید در جنوب میان‌رودان باشد. برای اطلاعات بیشتر ر.ک. به: Oates, 2012.
8. Truffelli, 1997: 8; Balossi-Restelli, 2008: 24.
9. Özgen et al., 1999: 19.

10. Akkermans & Schwartz, 2003: 187.
 11. Chiocchetti, 2004: pl. 5.2-3; Schwartz, 1988: pl. 65.4; Hauptman, 1982: pl. 36.1.
 12. Mellaart, 1981: Fig. 147.774.
 13. Baldi, 2012b.
 14. Mellaart, 1981: 151-153, Fig. 147.772; Mazzoni, 1998: Fig. 1.1, 15, 20, 22, 24; Fig. 2.1, 4, Mazzoni, 2000: Fig. 3.TA97E2/7; Özgen et al., 1999: Abb. 17.1-3; Hood, 1951: Fig. 6.3; du Plat Taylor et al., 1950: 95, Garrard et al., 1996: Fig. 7.3; Akkermans, 1988a: pl. 99.20-22; Fletcher, 2007: Fig. 3.2; Hood, 1951: 125-126; Hammade & Yamazaki, 2006: pl. 6.85.1.
 15. Schwartz, 1988: pl. 65.1-2; Rova, 2007: Fig. 3.1; Chiocchetti, 2004: Fig. 2.8, 10; Hauptmann, 1972: pl.71.8; Arzt, 2001: Fig. 3-61.310-311, Fig. 3-66. 338-339; McMahon et al., 2001: Fig. 3.e.
 ۱۶. این گونه به هیچ عنوان از لحاظ فرمی با گونه قبل شباهت ندارد و آن طور که گفته شده، بدنه گرد (Rounded body) به نظر نمی‌رسد.
 17. Roaf, 1989: Fig. 3.D3, D11, F7, F16; Chiocchetti, 2004: Fig. 3.1-6; Arzt, 2001: Fig. 3-23.102-103, Fig. 3-29.144, 146; Mallowan & Cruikshank Rose, 1935: Fig. 39.5-6.
 18. Marro, et al., 1998: pl. XV.1; Mellink, 1956: pl.224.17; Hood, 1951: Fig. 6.3a;
 19. du Plat Taylor et al., 1950: Fig. 16.1; Garštang, 1953: 174, Fig. 113; Esin & Harmankaya, 1985: pl.X.D84-1, D84-3, D84-72, D84-70; Esin, 1983: 182-184, Truffelli, 1997: 8; Mellart, 1981: 771; Thissen, 1985: 7-9; Akkermans, 1988a: pl. 99.24-27.
 20. Rothman, 2002: 58.
 21. Lloyd, 1940: 19; Gülçur, 2000: pl. 17 and table 6; Hauptmann, 1982: pl. 37.1-4; Ball et al., 1989: Fig. 19.3; Oates, 1987: Fig. 3.9; Hijara, 1973: pl. 14.8, 10-13, 15.1; Abu al-Soof, 1969: 8; Arzt, 2001: Fig. 3-51.260; Vera Gut, 1995: pl. 55.819; Starr, 1939: pl. 49.D, E, 50.B; Numoto, 1987: Fig. 14.16-17; Egami, 1959: Fig. 51.1, 53.7.
 22. Esin & Harmankaya, 1985: pl.X.D84-73; du Plat Taylor et al., 1950: Fig. 16.1, 18.5.
 23. du Plat Taylor et al., 1950: 77-78.
 24. Özgen and Helwing, 2003: 64.
 25. Arzt, 2001: Fig. 2.14, 2.15, 2.16.
 26. Esin, 1978; 1983; 1989; 1998; Esin & Harmankaya, 1985; 1986; 1987; Esin et al., 1987.
 27. Baldi, 2012b.
 28. Akkermans, 1988a.
 29. Hauptmann, 1982; Gülçur, 2000.
 ۳۰. از دوره LC1 به بعد، گونه‌های ۲ و ۳ در گوره (گورا) غایب هستند، اما در طول LC2 گونه ۴ «کاسه‌های گلدانی Wide Flower pots» تنها گونه حاضر در مجموعه‌اند.
 31. Rothman, 2002: Fig. 5.27.
 32. Tobler, 1950: 13.
 33. Rothman, 2002: 110, Fig. 5.36, 5.40
 ۳۴. دربرگیرنده ۴۷ عدد لبه، ۲۵ نمونه قسمتی از ظرف و هفت نمونه ظرف کامل.
 ۳۵. با سپاس از دکتر محمد بهرامی برای در اختیار گذاشتن اطلاعاتی در این زمینه.
 ۳۶. در دوره VI A ارسالن تپه کاسه‌های گلدانی چرخ‌ساز وجود دارد، همان طور که در گودین نیز VI2 نیز مشاهده می‌شود.
 ۳۷. در تپه حمام ترکمن VIA که هم‌زمان با دوره عبید است، این کاسه‌ها حضور دارند (Akkermans, 1988b: 143, Fig. 8). (N121).
 38. Wide Flower Pots
 39. Conical Bowl
 ۴۰. در این نمونه لبه کاسه‌ها مورب هستند، نمونه دیگری از فرم کاسه لبه‌واربخته اولیه در گرمسی نیز دیده می‌شود (نیلی و رایب، ۱۳۹۶: ۴۷، تصویر ۳-۶، طرح ی). برای اطلاعات بیشتر در خصوص کاسه‌های لبه‌واربخته اولیه ر. ک. به: رایب و همکاران، ۲۸۳: ۱۳۸۴. مشخص نیست که آیا می‌توان نمونه شماره ۲، PI 30 را با کاسه‌های محوطه تاقی بستان مقایسه کرد یا خیر.
 ۴۱. مواد یافت شده از این بافت شامل، انبوه ظروف سفالی (سالم، نیمه سالم، قطعه)، تیغه‌های سنگی و استخوان است.
 ۴۲. این ظروف در گودین و سه‌گابی، تپه باباخاکی سراب هرسین، دشت سرفیروزآباد، شط غیله ملایر، کوزه‌گران سیمره و باباجان V، چیافتح‌الله هلیلان، چشمه‌سرد کزآباد و غار کنجی حضور دارند؛ علاوه بر ایران، در گری رش، تپه حمام ترکمن، یاریم‌هویوک (Rothman et al., 1998) و حموکار LC1-2 حضور دارند.
 ۴۳. این ظروف در گودین، غار کنجی، چیافتح‌الله هلیلان و کوزه‌گران سیمره مشاهده می‌شوند؛ همچنین در تپه حمام ترکمن، یاریم‌هویوک و گری رش نیز حضور دارند.
 ۴۴. این ظروف در غار کنجی، چیافتح‌الله، چیاپهن، کاریه تپه‌واشیان و کوزه‌گران سیمره و حمام ترکمن، یاریم‌هویوک و گری رش حضور دارند.
 ۴۵. به غیر از تاقی بستان، «کلر گاف» به تعدادی سفال دارای خراش در چیافتح‌الله هلیلان، چیااسبز و کوزه‌گران سیمره (که از آن‌ها به عنوان «Flint Scrap» نام برده است)، اشاره و بیان کرده است که نمونه‌هایی با این شیوه در گری رش و تل عقیر نیز حضور دارد (Goff, 1971: 141, Fig. 5, N. 29; 142, Fig. 6, N. 13 & 18).

کتابنامه

– اشمیت، اریخ، (۱۳۷۶). پرواز برفراز شهرهای باستانی ایران. ترجمه آرمان شیشه‌گر، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.

- بدلر، ویرجینیا، (۱۳۸۹). «گاهنگاری مواد فرهنگی اوروک در گودین تپه - زاگرس مرکزی ایران و اشاره‌هایی به تأثیرات متقابل فرهنگ‌های بومی و غیربومی». ترجمه محمد کرمی، باستان‌شناسی ایران، شماره ۱، صص: ۳۵-۶۸.
- رایت، هنری؛ نیلی، جیمز؛ جانسون، گرگوری؛ و اسپت، جان، (۱۳۸۴). «توسعه جوامع جنوب‌غربی ایران در اوایل هزاره چهارم پیش از میلاد»، ترجمه محمدکرمی، گزارش‌های باستان‌شناسی ۴، صص: ۲۷۵-۲۹۱.
- رضایی‌نیا، عباسعلی، (۱۳۹۶). «سیمای باستان‌شناختی منطقه درود فرامان کرمانشاه». مجموعه مقالات سومین همایش ملی باستان‌شناسی ایران، به‌کوشش: حسن هاشمی زرج‌آباد، بیرجند: چهار درخت، صص: ۹۵۲-۹۳۲.
- روئمن، میچل؛ و بدلر، ویرجینیا، (۱۳۹۵). «زیست‌بوم گودین تپه»، در: گوپنیک، هیلاری و میچل رائمن، در مسیر شاهراه، پژوهش‌های باستان‌شناختی در گودین تپه، ترجمه محمدامین میرقادری و هادی صبوری، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی (مرکز پژوهش‌های ایرانی و اسلامی)، صص: ۴۱-۶۰.
- عابدی، اکبر؛ حیدری، رضا؛ و سلیمی، صلاح، (۱۳۹۸). «شواهدی جدید از دوره اوروک در شمال غرب ایران، حسنلوی VIII و VII و عدم حضور فرهنگ کورا-ارس در جنوب دریاچه ارومیه». مطالعات باستان‌شناسی، دوره ۱۱، شماره ۱، صص: ۱۶۷-۱۸۳.
- علی بیگی، سجاد، (۱۳۹۴). «گزارش بررسی باستان‌شناختی منطقه سرپل‌زهاب (قطعات ۹-۴ طرح گرمسیری)». تهران: مرکز اسناد پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- علی بیگی، سجاد؛ و بریش، نیکول، (۱۳۹۸). «گزارش فصل دوم کاوش تپه خیبر روانسر، استان کرمانشاه (فصل نخست لایه نگاری)». تهران: مرکز اسناد پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- علی بیگی، سجاد؛ فتاحی، فرهاد؛ امینی‌خواه، ناصر؛ سعیدپور، یزدان؛ طاهرآبادی، مریم؛ نصرتی، میترا؛ و زینلی، سمیه، (۱۳۹۵). «تعیین عرصه، پیشنهاد حریم و کاوش اضطراری در محوطه موسوم به گورستان پارتی تاق‌بستان با هدف تکمیل پرونده ثبت جهانی مجموعه آثار تاریخی تاق‌بستان». در: حمیده چوبک، گزارش‌های پانزدهمین گردهم‌آیی سالانه باستان‌شناسی ایران، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، صص: ۴۴۴-۴۵۱.
- الغازه، گیلرمو، (۱۳۹۸). میان‌رودان باستان در سپیده دم تمدن؛ تحول چشم‌انداز شکل‌گیری شهر. ترجمه زهره عطایی‌آشتیانی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- فتاحی، فرهاد، (۱۳۹۸). «بررسی استقرارهای هزاره چهارم پ.م. دامنه‌های غربی کوهستان زاگرس (مطالعه موردی: منطقه سرپل‌زهاب در دوره اوروک و جمده نصر)». پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، گروه باستان‌شناسی دانشگاه رازی (منتشر نشده).
- کامبخش فرد، سیف‌الله، (۱۳۷۷). گور خمره‌های اشکانی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- کامبخش فرد، سیف‌الله، (۱۳۷۹). سفال و سفالگری در ایران: از ابتدای نوسنگی تا دوران معاصر. تهران: ققنوس.
- کامبخش فرد، سیف‌الله، (۱۳۸۶). کاوش‌ها و پژوهش‌های باستان‌شناسی و احیاء معماری معبد آناهیتای کنگاور و تاق‌گرا. جلد اول، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، پژوهشکده باستان‌شناسی.
- مجیدزاده، یوسف، (۱۳۸۹). آغاز شهرنشینی در ایران. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- محمدی‌قصریان، سیروان، (۱۳۹۹). «سفال خاکستری نوع اوروک در غرب ایران». پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، دوره ۱۰، شماره ۲۴، صص: ۴۷-۶۰.
- میرقادری، محمدامین؛ و هژبری، علی، (۱۳۹۶). «پارک غربی تاق‌بستان، محوطه‌ای نویافته

در غرب زاگرس مرکزی، کرمانشاه»، مجله مطالعات باستان‌شناسی پارسه، سال اول، شماره ۱. صص: ۲۱-۳۳.

- نیلی، جیمز؛ و رایت، هنری، (۱۳۹۶). استقرار اولیه و آبرسانی در دشت دهلران، جوامع روستایی و ایالتی اولیه در جنوب غربی ایران. ترجمه حسین رئیسی، تهران: مهرجرد.

- Abedi, A., Heidari, R., & Salimi, S., (2019). "New Uruk Findings in NW Iran; Hasanlu VIII -VII and the Lack of Kura-Araxes Evidence in Southern Parts of the Lake Urmia Region". *Journal of Archaeological Studies*, No. 11 (1), Pp: 167-183 (in Persian).

- Abu Al-Soof, B., (1969)., "Excavations at Tell Qalinj Agha (Erbil)". *Sumer*, No. 25, Pp: 3-42.

- Abu Al-Soof, B., (1985). *Uruk Pottery*. Origin and Distribution, Ministry of Culture and Information, State Organization of Antiquities & Heritage: Iraq.

- Abu Jayyab, K., (2012). "A Ceramic Chronology from Tell Hamoukar's Southern Extension". In: Marro, Catherine (ed), *After the Ubaid: Interpreting Change from the Caucasus to Mesopotamia at the dawn of Urban Civilization (4500-35—BC)*, Papers from the Post-Ubaid Horizon in the Fertile Crescent and Beyond International Workshop held at Fosseuse, 29th June -1st July 2009, Pp:87-128, *Varia Anatolica* 27, De Boccard Edition-Diffusion: Paris.

- Akkermans, P. M. M. G. & Schwartz, G. M., (2003). *The Archaeology of Syria. From complex Hunter-Gatherers to Early Urban Societies (ca. 16,000- 3000 BC)*. Cambridge University Press, Cambridge.

- Akkermans, P. M. M. G., (1988a). "The Period V pottery". In: M. N. van Loon (ed.), *Hammam et-Turkman I. Report of the University of Amsterdam Excavations in Syria I*, Istanbul, Pp: 287-349.

- Akkermans, P. M. M. G., (1988b). "An Updated Chronology for the Northern Ubaid and Late Chalcolithic Periods in Syria: New Evidence from Tell Hammam Et-Turkman". *Iraq*, No. 50, Pp: 109-145.

- Algaze, G., (2019). *Ancient Mesopotamia at the Dawn of Civilization, The Evolution an Urban Landscape*. Translated by: Zohreh Ataei Ashtiani, Tehran, Institute for Humanities and Cultural Studies (in Persian).

- Alibaigi, S. & Brisch, N., (2019). "Second season of excavation at Tapeh Kheibar, Rawansar- Kermanshah (The First season of Stratigraphical Excavation)". Report Prepared for Archive of the Iranian Center for Archaeological Research (Unpublished, in Persian).

- Alibaigi, S., (2016). "Report of Archaeological survey in Sar Pol-e Zahab region (Parts 4-9 Garmsiri Project)". Report Prepared for Archive of the Iranian Center for Archaeological Research (Unpublished, in Persian).

- Alibaigi, S.; Fatahi, F.; Aminikhah, N.; Saeidpour, Y.; Taher Abadi, M.; Nosrati, M. & Zeinali, S., (2017). "Delimitation and rescue excavation in Taq-e Buštan". In: Hamideh Choubak (ed.), *The 15th Annual Symposium on the Iranian Archaeology*,

Tehran: Cultural Heritage and Tourism Research Institute, Pp: 444-451(in Persian).

- Artz, J. M., (2001). "Excavation at Tell Ziyadeh, Syria: The Northern Ubaid Reconsidered". Unpublished Ph.D. dissertation, UMI, Ann Arbor.

- Badler, V., (2010). "A Chronology of Uruk artifacts from Godin Tepe in Central Western Iran and Implications for the interrelationships between the local and foreign cultures". Translated by: Karami, Mohammad, *Iranian Archaeology*, No. 1, Pp: 35-68 (in Persian).

- Baldi J. S., (2012a). "Coba bowls, mass-production and social change in Post-Ubaid times". In: Marro, Catherine (ed), *After the Ubaid: Interpreting Change from the Caucasus to Mesopotamia at the dawn of Urban Civilization (4500-35—BC)*, Papers from the Post-Ubaid Horizon in the Fertile Crescent and Beyond International Workshop held at Fosseuse, 29th June -1st July 2009, *Varia Anatolica* 27, Pp: 393-416, De Boccard Edition-Diffusion: Paris.

- Baldi J. S., (2012b). "Tell Feres al-Sharqi in the LC 1-2 period. Serial production and regionalisation of ceramic traditions: a perspective from a small rural site". In: Marro, Catherine (ed), *After the Ubaid: Interpreting Change from the Caucasus to Mesopotamia at the dawn of Urban Civilization (4500-35—BC)*, Papers from the Post-Ubaid Horizon in the Fertile Crescent and Beyond International Workshop held at Fosseuse, 29th June -1st July 2009, *Varia Anatolica* 27, Pp:129-162, De Boccard Edition-Diffusion: Paris.

- Baldi, J. S. & Abu Janyab, Kh., (2012). "A comparison of the ceramic assemblages from Tell Feres al-Sharqi and Hamoukar". In: Marro, Catherine (ed), *After the Ubaid: Interpreting Change from the Caucasus to Mesopotamia at the dawn of Urban Civilization (4500-35—BC)*, Papers from the Post-Ubaid Horizon in the Fertile Crescent and Beyond International Workshop held at Fosseuse, 29th June -1st July 2009, *Varia Anatolica* 27, Pp: 162-182, De Boccard Edition-Diffusion: Paris.

- Ball, W.; Tucker, D. & Wilkinson, T. J., (1989)., "The Tell al-Hawa Project: Archaeological Investigations in the north Jazira 1986/87". *Iraq*, No. 51. Pp: 1-66.

- Balossi-Resetli, F., (2008). "Post-Ubaid occupation on the Upper Euphrates: Late Chalcolithic 1-2 at Arslantepe (Malatya, Turkey)". In: Kühne, H., R. M. Czichon and F. J. Kreppner (eds.), *Proceedings of the 4th International Congress of the Archaeology of the Near East*, 29 March-3 April 2004, Freie Universität Berlin. Volume II: Social and Cultural Transformations: The Archaeology of Transitional Periods and Dark Ages, Excavations Reports, Wiesbaden. Pp: 21-31.

- Chiocchetti, L., (2004). "Hamrin – Tell Abu Hussein. La ceramica tardo-Obeid dei livelli 1-3". *Mesopotamia*, No. XXXIX, Pp: 1-70.

- Egami, R. W., (1959). *Telul eth-Thalathat I. The Excavations of Tell II 1956-1957*. The Institute of Oriental Culture, Tokyo University, Yamakawa Pub. Co., Tokyo.

- Esin, U.; Arsebük, G. & Özdoğan, M., (1987). "Değirmentepe excavations, 1978". *Lower Euphrates Project, 1978-1979 Activities, METU Lower Euphrates Project*

Publications, series I, No. 3, Ankara. Pp: 77-81.

- Esin, U. & Harmankaya, S., (1985). "1984 Değirmentepe (Malatya) Kurtarma Kazısı". *Kazı Sonuçları Toplantısı*, No. 7. Pp: 53-85.

- Esin, U. & Harmankaya, S., (1986). "1985 Değirmentepe (Malatya) Kurtarma Kazısı". *Kazı Sonuçları Toplantısı*, No. 8, Pp: 95-137.

- Esin, U. & Harmankaya, S., (1987). "1986 Değirmentepe (Malatya) Kurtarma Kazısı". *Kazı Sonuçları Toplantısı*, No. 9, Pp: 79-125.

- Esin, U., (1978). "Die kulturellen Beziehungen zwischen Ostanatolien und Mesopotamien sowie Syrien anhand einiegr Grabungs- und Oberflächenfunde aus dem oberen Euphrattal im 4. Jt. V. Chr.". In: *Mesopotamien und seine Nachbarn*, No. XXV, RAI, Dietrich Reimer Verlag, Berlin. Pp: 13-21.

- Esin, U., (1983). "Zur Datierung der vorgeschichtlichen Schichten von Değirmentepe bei Malatya in der östlichen Türkei". In: R. M. Boehmer and H. Hauptmann (eds.), *Beiträge zur Altertumskunde Kleinasien, Festschrift für Kurt Bittel*, Mainz. Pp: 175-190.

- Esin, U., (1989). "An early trading center in eastern Anatolia". In: K. Emre, M. Mellink, B. Hrouda and N. Özgüç (eds.), *Anatolia and the Ancient Near East. Studies in Honour of Tahsin Özgüç, Türk Tarih Kurumu Basımevi*, Ankara, Pp: 135-141.

- Esin, U., (1998). "Die Tempel von Değirmentepe während der chalkolitischen Obedperiode". In: XXXIV, *Uluslararası Assirioloji Kongresi, Türk Tarih Kurumu Yayınları* 24, Dizi, 3, Sayı, Ankara, Pp: 659-676.

- Fatahi, F., (2020). "Investigation of the settlements of the fourth millennium BC on the western slopes of the Zagros Mountains (Case study: Sar Pol-e Zahab region in the Uruk and Jemdat Nasr Period)". Master Thesis in Archeology, Department of Archeology, Faculty of Literature and Humanities, Razi University (Unpublished, in Persian).

- Fletcher, A., (2007). "The prehistoric ceramic assemblage from Horum Höyük". In: A. Fletcher and A. M. Greaves (eds.), *Transanatolia, Proceedings of the Conference held at the British Museum, 31 March to 1 April 2006*, Anatolian Studies, No. 57. Pp: 191-202.

- Frangipane, M., (2000). "The Late Chalcolithic IEB I sequence at Arslantepe. Chronological and cultural remarks from a frontier site". In: *Chronologies des pays du Caucase et de l'Euphrate aux IVe-IIIe millénaires. From the Euphrates to the Caucasus: Chronologies for the 4th-3rd millennium B.C. Vom Euphrat in den Kaukasus: Vergleichende Chronologie des 4. und 3. Jahrtausends v. Chr.* Actes du Colloque d'Istanbul, 16-19 décembre 1998, İstanbul: Institut Français d'Études Anatoliennes- Georges Dumézil, Pp: 439-471. (Varia Anatolica, 11).

- Garrard, A.; Conilly, J.; Moloney, N. & Wright, K., (1996). "The early prehistory of Sakça Gözü region, north Levantine rift valley: Report on 1995 Survey Season". *Anatolian Studies*, No. 46. Pp: 53-81.

- Gartang, J., (1953). *Prehistoric Mersin, Yümüktepe in Southern Turkey*. Clarendon Press, Oxford.
- Goff, C., (1971). "Luriştan Before Iron Age". *IRAN*, No. 9, Pp: 131-152.
- Gülçur, S., (2000). "Norşuntepe: Die chalkolithische Keramik (Elazığ/Oşatanolien)". In: C. Marro and H. Hauptmann (eds.), *Chronologies des Pays du Caucase et de l'Euphrate aux IV-IIIe millénaires / From The Euphrates to the Caucasus: Chronologies for the 4th-3rd Millennium B.C. / Vom Euphrat in den Kaukasus: Vergleichende Chronologie des 4. und 3. Jahrtausends v. Ch.*, IFEA, Varia Anatolica XI, De Boccard, Paris. Pp: 375-418.
- Hammade E, H. & Yamazaki, Y., (2006). *Tell al-'Abr (Syria) Ubaid and Uruk Periods*. Peeters Publishers, Louvain, Paris, Dudley (MA).
- Hauptmann, H., (1972). "Die Grabungen auf dem Norşun Tepe, 1970". In: *Keban Project 1970 Activities*, Ankara. Pp: 103-117.
- Hauptmann, H., (1982). "Die Grabungen auf dem Norşun Tepe, 1974". In: *Keban Project 1974-1975 Activities*, Ankara. Pp: 41-70.
- Hijara, I., (1973). "Excavations at Tell Qalinji Agha: Fourth Season 1970", *Sumer* 29. Pp: 13-34.
- Hood, S., (1951). "Excavations at Tabara el Akrad 1948-1949". *Anatolian Studies*, No. 1, Pp: 113-147.
- Johnson, G. A., (1973). *Local Exchange and Early State Development in Southwestern Iran*. Anthropological Papers, Museum of Anthropology, University of Michigan (51): Ann Arbor, Michigan.
- Kambakhsh Fard, S., (2007). *Archaeological excavations and researches and restoration of architecture of Anahita Kangavar and Taq-e Gara*. Volume 1, Tehran: Research Institute of Cultural Heritage, Handicrafts and Tourism, Archaeological Research Institute (in Persian).
- Kambakhsh Fard, S., (1998). *Parthian Pithos- Burials at Germe (Azarbaijan)*. Tehran: Iran University Press (in Persian).
- Kambakhsh Fard, S., (2001). *Pottery in Iran: from Neolithic period to the Present*. Tehran: Qoqnoos (in Persian).
- Kepinski, Ch., (2011). "New Evidence from Grai Resh, Northern Iraq, the 2001 and 2002 Seasons. A Pre-Uruk Expansion Site from the Late Chalcolithic Period". *Zeitschrift für Orient-Archäologie*, No. 4, Pp: 47-101.
- Levine, L. D. & Young, T. C. Jr., (1986). "A Summary of The Ceramic Assemblages of The Central Western Zagros From The Middle Neolithic To The Late Third Millennium B. C.". *Colloquies Internation aux CNRS Prehistoire de La Mesopotamia* 17-18-19 December 1984, CNRS: Paris. Pp: 17-51.
- Lloyd, S. & Safar, F., (1943). "Tell Uqair. Excavations by the Iraq Government Directorate of Antiquities in 1940 and 1941". *Journal of Near Eastern Studies*, Vol. 2 No. 2, Pp: 131-158.

- Lloyd, S., (1940)., "Iraq Government soundings at Sinjar". *Iraq*, No. 7, Pp: 13-21.
- Madjidzadeh, Y., (2010). *Beginning of Urbanization in Iran*. Tehran: Iran University Press (in Persian).
- Mallowan, M. E. L. & Cruikshank Rose, R. J., (1935) "Excavations at Tell Arpachiyah 1933". *Iraq*, No. 2, Pp: 1-178.
- Marro, C.; Tibet, A. & Ergeç, R., (1998)., "Fouilles de sauvetage de Horum Höyük (Province de Gaziantep): Deuxième rapport préliminaire". *Anatolia Antiqua*, No. 6, Pp: 349-378.
- Mazzoni, S., (1998). "Materials and chronology. Area E, Late Chalcolithic Early, Middle and Late Bronze I Age". In: S. Mazzoni and S. M. Cecchini (eds.), *Tell Afis, (Siria)*. Scavi sull'Acropoli 1988-1992 (Ricerche di Archeologia del Vicino Oriente 10), Edizioni ETS, Pisa. Pp: 9-100.
- Mazzoni, S., (2000). "From the Late Chalcolithic to Early Bronze I in northwest Syria: Anatolian contact and regional perspective". In: C. Marro and H. Hauptmann (eds.): *Chronologies des Pays du Caucase et de l'Euphrate aux IV-IIIe millénaires / From The Euphrates to the Caucasus: Chronologies for the 4th-3rd Millennium B.C. / Vom Euphrat in den Kaukasus: Vergleichende Chronologie des 4. Und 3. Jahrtausends v. Ch.*, IFEA, Varia Anatolica XI, De Boccard, Paris. Pp: 97-109.
- McMahon, A.; Tuca, Ö. & Bagdo, A.-M., (2001). "New Excavations at Chagar Bazar, 1999-2000". *Iraq*, No. 63, Pp: 201-22.
- Mellart, J., (1981). "The Prehistoric pottery from the Neolithic to the beginning of E.B. IV". In: J. Matthers (ed.): *The River Qoueiq, Northern Syria and its Catchments*, BAR International Series 98, 1, 2, Oxford, Pp: 131-326.
- Mellink, M. J., (1956). "Neolithic and Chalcolithic pottery". In: H. Goldman (ed.), *Excavations at Gözlü Kule*, Tarsus, Princeton University Press, Princeton. Pp: 65-75.
- Mirghaderi, M. A. & Hozhabri, A., (2017)., "The western Park of Taq-e Buстан, new find in the western central Zagros, Kermanshah". *Parseh: Journal of Archaeological Studies*, No. 1(1), Pp: 21-33 (in Persian).
- Mohammadi Qasrian, S., (2020). "Uruk Grey Ware in Western Iran". *Pazhohesh-ha-ye- Bastanshenasi Iran*, Issue 10, Vol 24, Pp: 47-60 (in Persian).
- Neely, J. & Wright, H., (2017). *Early Settlement and irrigation on the Deh Luran Plain: Village and early state societies in southwestern Iran, 1994*. Translated by: Raeesi, Hossein, Tehran: Mehrjerd (in Persian).
- Nissen, Hans, J., (1972). "Analysis of Archaeological Surface Collections". In: McC. Adams, Robert and Nissen, Hans J. (eds), *The Uruk Contryside the Natural Setting of Urban Societies*, Pp: 97-206, The University of Chicago Press and London.
- Numoto, H., (1987). "Tell Musharifa". In: H. Fuji, *Working report on first season of Japanese archaeological excavation in Saddam Dam salvage project. In Researches on the Antiquities of Saddam Dam Basin Salvage and Other Researches, Dar al-Kutub, Mosul*, Pp: 49-54.

- Oates, J., (1987). "A note on the 'Ubaid and Mitanni pottery from Tell Brak". *Iraq*, No. 49, Pp: 193-198.
- Oates, J., (2012). "The Terminal Ubaid (LC1) Level at Tell Brak". In: Marro, Catherine (ed), *After the Ubaid: Interpreting Change from the Caucasus to Mesopotamia at the dawn of Urban Civilization (4500-35—BC)*. Papers from the Post-Ubaid Horizon in the Fertile Crescent and Beyond International Workshop held at Fosseuse, 29th June -1st July 2009, Pp: 65-86, *Varia Anatolica* 27, De Boccard Edition-Diffusion: Paris.
- Özgen, E. & Helwing, B., (2003). "On the shifting border between Mesopotamia and the West: seven seasons of joint Turkish-German excavations at Oylum Höyük". *Anatolica*, No. XXXIX, Pp: 63-83.
- Özgen, E.; Helwing, B.; Engin, A.; Nieuwenhuyse, O. & Spoor, R., (1999). "Oylum Höyük 1997-1998. Die Spätchalkolithische Siedlung auf der Westterrasse". *Anatolia Antiqua*, No. 7, Pp: 19-67.
- Plat Taylor, J., Seton-Williams, M. V. & Waechter, J., (1950). "The Excavations at Sakçe Gözü". *Iraq*, No. 12, Pp: 53-138.
- Rezaee Nia, A., (2017). "Archaeological landscape of Doroud Faraman area of Kermanshah", in Hassan Hashemi Zarj Abad (ed.), *The 3rd National Conference on Archaeology of Iran*, November 2017, Tehran, Birjand: Chahar Derakht, Pp. 932-952 (in Persian).
- Roaf, M., (1989). "Social organization and social activities as seen from Tell Madhuh". In: E. Henrickson and I. Thuesen (eds.), *Upon This Foundation. The Ubaid Reconsidered, Proceedings from the 'Ubaid Symposium Elsinore May 30th-June 1st 1988*, Copenhagen, Museum Tusulanum Press. Pp: 91-148.
- Rothman, M. S., (2002). *Tepe Gawra: The Evolution of a Small Prehistoric Centre in Northern Iraq*. Philadelphia, University of Pennsylvania Museum Publications.
- Rothman, M. & Badler, V., (2016). "Ecology of Godin Tepe". In: Hillary Gopnik and Mitchell Rothman (eds.), *On the High Road: The history of Godin Tepe, Iran*, Translated by: Mirghaderi, Mohammad Amin and Sabouri, Hadi, Tehran: The Center for the Great Islamic Encyclopedia (Center for Iranian and Islamic Studies), Pp: 41-60 (in Persian).
- Rothman, M.; Ergeç, R.; Miller, N.; Weber, J. & Kozbe, G., (1998). "Yrim Hoyük and the Uruk expansion (part II)". *Anatolica*, XXIV, Pp: 65-144.
- Rova, E., (2007). "The Late Chalcolithic period in the Tell Leilan region: a report on the ceramic material of the 1995 Survey". *Kaskal*, No. 4, Pp: 1-42.
- Schmidt, E. F., (1998). *Flights Over Ancient Cities of Iran*. Translated by: Shishehgar, Arman, Tehran: Cultural Heritage Organization (in Persian).
- Schwartz, G. M., (1988). *A Ceramic Chronology from Tell Leilan: Operation 1 (Tell Leilan Research 1)*. New Haven - London.
- Schwartz, G. M., (2001). "Syria and the Uruk Expansion". In: M., S., Rothman (ed.), *Uruk Mesopotamia & Its Neighbors, Cross-Cultural Interactions in the Era of*

- State Formation*, School of American Research Press, Santa fe, Pp: 233-264.
- Sharifi, M. & Motarjem, A., (2018). "The Process of Cultural change in the Chalcolithic period in the highlands of Western Iran at Tepe Gheshlagh". *Documenta Praehistorica*, No. XLV, Pp: 86-99.
 - Starr, R., (1939). *Nuzi, Report on the Excavations at Yorgan Tepe near Kirkuk, Iraq, 1927-1932*. (vol. I-II), Harvard.
 - Stein, G., (2012). "The Development of Indigenous Social Complexity in Late Chalcolithic Upper Mesopotamia in the 5th- 4th Millennia BC – An Initial Assessment", *Origini*, No. XXXIV, Pp: 125-151.
 - Steve, M. J. & Gasche, H., (1971). *Mémoires de la Délégation Archéologique en Iran. Mission de Susiane, L'Acropole De Suse, Nouvelles Fouilles (Rapport Préliminaire)*, Lieden, Paris: (46).
 - Thissen, L. C., (1985). "Pottery from Hayaz Höyük". *Anatolica*, No. 12, Pp: 75-130.
 - Tobler, A. J., (1950). *Excavations at Tepe Gawra. Vol II, Levels IX-XX*, University of Pennsylvania Press, Philadelphia London: Geoffrey Cumberlege Oxford University Press.
 - Truffelli, F., (1997). "Ceramic correlations and cultural relations in IVth millennium eastern Anatolia and Syro-Mesopotamia". *Studi Micenei ed Egeo-Anatolici*, No. 39/1. Pp: 5-33.
 - Vera Gut, R., (1995). *Das prähistorische Ninive. Zur relativen Chronologie der frühen Perioden Nordmesopotamiens*. BaF 19, P. von Zabern, Mainz am Rhein.
 - Vera Gut, R., (2002). "The Significance of the Uruk Sequence at Nineveh". In: *Artefacts of Complexity Tracking the Uruk in the Near East*, Edited by: Postgate, J. N., Iraq Archaeological Reports, No. 5, Pp:17-48.
 - Wright, H. T.; Neely, J. A.; Johnson, G. A. & Speth, J., (2005). "Early fourth Millennium Developments in Southwestern Iran". Translated by: Mohammad Karami, *Archaeological Reports*, No. 4, Pp: 275-291 (in Persian).
 - Young, C. T. Jr., (1969). *Excavations at the Godin Tepe: first Progress Report*. Toronto: Royal Ontario Museum.
 - Young, T. C. Jr., (2004). "The Kangavar Survey, Periods VI to IV". In: A. Sagona (ed.), *A View from the Highlands: Archaeological Studies in Honour of Charles Burney*, Pp: 645-660, Herent, Belgium: Peeters.